بسم الله الرحمن الرحیم درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری 2 آبان 1395

بحث در مورد روایتی بود که با عن نوفلی عن السکونی آغاز می شد. این روایت با توجه به اینکه طریق شیخ به نوفلی در فهرست ضعیف است آیا می توانیم این روایت را تصحیح کنیم یا خیر؟ ما در جلسات قبل اشاره می کردیم که این روایت قرائنی را اقامه کردیم برای اینکه این روایت از کتاب نوفلی گرفته نشده است و از کتاب افراد دیگری گرفته شده است که آنها با واسطه یا مستقیم از نوفلی نقل کرده اند. به اصطلاح پدیده اخذ به توسط در این روایت رخ داده است. بحث این بود که حالا که پدیده اخذ به توسط رخ داده اس چطور می توانیم سند اصلی را به دست بیاوریم؟ و به طور کلی آیا با وجود رخ دادن پدیده اخذ به توسط این سند قابل تصحیح هست یا خیر.

سؤال: ببخشید این در مشیخه یک عبارتی دارند....

پاسخ: مراد از این عبارت با توجه به قرائن دیگر روایتی هست که ولو به جهت نقل ثقات از کتاب او ایشان استظهارشان این است که از کتاب او اخذ شده است. نه مستقیم اخذ کرده است. ظاهر ابتدایی این عبارت ممکن است این باشد ولی قرائنی که بر بحث اخذ به توسط هست اقتضا می کند که مراد از این روایتی هست که از کتاب او، ولو با توجه به نقل دیگران من استظهار می کنم که این در کتابش هست ولو با توجه به او، یعنی به اعتماد نقل دیگران این را استظهار می کند که در کتابش است و بنابراین از او اخذ کرده است. خب این کلیت آن بحث.

خب بحث سر این بود که حالا که نوفلی از کتابش نیست، آیا می توانیم به روشی این روایت را تصحیح کنیم؟ سه راه را ما دنبال می کردیم. یک راه مختص به خصوص همین روایت بود که ما مثلا استظهار کنیم که این روایت طریقش به چه شکلی است. ما یک قرائنی می خواستیم ذکر کنیم و بگوییم که این روایت مربوط به کتاب محمد بن علی بن محبوب بوده است، عن احمد بن محمد عن البرقی عن النوفلی عن السکونی که بحثش گذشت. یک روایت دیگر این است که ما به نحو اجمالی می خواهیم بگوییم که اخذ به توسط به چه نحوی بوده است و مردد به چند طریق است و بنابراین همه این طرق هم چون ثقه هستند بنابراین این روایت قابل اعتماد است. روش دوم جمیع مواردی که نوفلی اول سند واقع شده است را تصحیح می کند. روش اول فقط مال خصوص این روایت بود این روش دوم همه روایات، در جلسات قبل گفتیم که عن نوفلی عن السکونی در چهارده روایت در کتاب الدیات اول سند واقع شده است. هر چهارده تا با این روش می شود تصحیح شود. که ما در واقع آمدیم در کتاب الدیات همه طرقی که در کتاب الدیات به نوفلی بود را بررسی کردیم. همه طرقی که ثقات بودند البته بعضی هایش حتما نیستند ولی به نوفلی عن السکونی سه طریق گفتیم در کتاب الدیات هست. یکی از آنها محمد بن احمد بن یحیی عن ابراهیم بن هاشم این جور که یادم هست. یکی محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن أبیه بود و یکی هم محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن محمد عن البرقی عن النوفلی، فقط این سه طریق در کتاب الدیات به نوفلی عن السکونی هست. اینجا هم باید یکی از اینها باشد. البته طریق اول حتما نیست. محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن أبیه، چون آن مربوط به کافی است و کافی در دست است. ما روایت را می دانیم که این طریق نیست. یکی از آن دو طریق است و این دو طریق هر دو معتبر است.

سؤال: فقط همان روایت کافی، فرمودید چهارده روایت را از این راه...

پاسخ: عرض کنم هیچ کدام آنها هم نیست ظاهرا آن طور که در ذهنم هست هیچ کدام از آنها در کافی نیست. فقط یک مورد آن در کافی هست که این جور که در ذهنم هست یک موردش در کافی است حالا آن یک موردش هم باشد اگر حالا علی أی تقدیر علی بن ابراهیم عن أبیه همان هم اشکالی نیست. آن مهم نیست. من بعدا برای اینکه این طریق محکم تر شود آمدم و تمام طرق کل تهذیب به نوفلی عن السکونی را بررسی کردم که ببینم در کل تهذیب آیا این چه شکلی است. تنها دو تا روایت پیدا کردم که طریق شیخ طوسی به نوفلی عن السکونی غیر قابل اعتبار باشد. تنها در کل تهذیب، آن محمد بن احمد بن یحیی عن محمد بن حصان عن أبی محمد الراضی عن النوفلی. که در جلد 2 صفحه 113 حدیث 1275 که همچنین همین سند در جلد سوم صفحه 253 حدیث 698 وارد شده است که البته سند دوم الأبی محمد النوفلی هست که عن باید افتاده باشد. عن ابی محمد عن النوفلی باید باشد. به قرینه سند اول. تمام سند هایی که من بررسی کردم فقط همین دو سند غیر معتبر وجود داشت. آن هم یکی در جلد دوم هست و یکی در جلد سوم هست که اصلا به جلد دهم و کتاب دیات و اینها مربوط نیست.

سؤال:...

پاسخ: نه همان روش دوم را گسترده ترش کردم. به جای اینکه فقط در خصوص کتاب الدیات بررسی کنیم تمام تهذیب از اول تا آخر بررسی کردیم. آن دیگر مطمئن است که دیگر این دو تا نیستند. و سایر طرق هستند که احتمال اینکه این دو تا باشد خیلی مستبعد هست به خصوص با توجه به اینکه این اصلا به کتاب الدیات و اینها مربوط نیست و کتاب الصلوه و آن باب ها است. خب این هم روش دوم. خب اینجا یک سؤالی ممکن است مطرح شود. بد نیست من طرق نوفلی عن السکونی در سایر ابواب را هم اشاره کنم. یکی همان محمد بن یعقوب عن علی بن ابراهیم عن أبیه هست. یکی هم محمد بن علی بن محبوب عن احمد بن محمد عن البرقی هست که بود. که حالا این به اشکال مختلف گاهی اوقات تحریفاتی هم رخ داده است. عن احمد البرقی به جای احمد بن محمد عن البرقی. یا احمد بن محمد البرقی هست و جور های مختلف دیگر که ظاهرا یک نوع تحریفی در بعضی از اینها رخ داده است.

خب یکی هم صفّار از ابراهیم بن هاشم است که گاهی اوقات از آن به ابی اسحاق هم یاد می شود. یکی هم محمد بن احمد بن یحیی عن ابراهیم بن هاشم است. یک مورد هم محمد بن علی بن محبوب عن أبی اسحاق است که ابی اسحاق همان ابراهیم بن هاشم است. یک مورد هم ابراهیم بن هاشم اول سند است عن النوفلی است. یک مورد احمد بن ابی عبد الله عن النوفلی هست. یک مورد هم احمد بن محمد خالی است که علی القاعده باید مراد برقی باشد. یک مورد احمد بن محمد البرقی هست. تمام این سند ها، سند های معتبر و قابل اعتباری هستند. فقط همان دو مورد هست که این دو مورد هم آدم مطمئن است که اینها در این سند واقع نشده اند چون هیچ یک از اینها به کتاب الدیات و حدود و اصلا چیزهایی که مربوط به این بحث ها هست اصلا هیچ گونه ارتباطی هم ندارد. این هم روش دوم

اما روش سوم که یک بحث عام تری هست که این روش اگر جواب دهد، این روش دوم یک سؤالی ممکن است یکی از رفقا دیروز سؤال کردند الآن وقت هست که این را پاسخ دهیم. ایشان گفتند که اگر شیخ طوسی این همه طرق معتبر به نوفلی دارد. طرقی که در تهذیب هست چه طور در فهرست فقط آمده است طریق ابی المفضل عن ابن بته، طریق ضعیفش را ذکر کرده است. این چه طوری است؟ پاسخ مطلب این است که در فهرست شیخ طوسی، فهرست طریق به کتب اشخاص است. آن هم از کتب فهارس ایشان مطالب را اخذ کرده است. یکی از فهارسی که منبع فهرست شیخ طوسی بوده است، فهرست ابن بته بوده است. ابن بته در فهرستش کسانی که صاحب کتاب بوده اند را لیست کرده است. من جمله نوفلی. منبع فهرست شیخ طوسی، فهرست ابن بته است. و این منبعش غیر از روایت هایی هست که در تهذیب نقل می کند. در تهذیب هم هیچ کدامشان را از کتاب نوفلی اخذ نکرده است. از منابع دیگر از کافی از کتاب محمد بن علی بن محبوب، کتاب صفار، محمد بن احمد بن یحیی و این جور کتاب ها اخذ کرده است. پس منبع روایت های نوفلی که در تهذیب هست، کتب حدیثی هست آن هم کتب حدیثی از کتاب نوفلی اخذ نکرده اند به احتمال زیاد روایت های نوفلی مربوط به کتاب سکونی بوده است. چون نوفلی واسطه سکونی هست و غالبا هم در کتب حدیثی روایت های سکونی منتقل شده است. ولی آن که در فهرست هست کتاب خود نوفلی هست. این کتاب نوفلی جزو منابع تهذیب نبوده است. آن هم شیخ طوسی از کتاب ابن بته که فهرست مؤلفین بوده است، نام کتاب حسین بن یزید نوفلی را یادداشت کرده است و طریقش را به ابن بته که از طریق ابو المفضل شیبانی بوده است ذکر کرده است. این است که طریق فهرست شیخ اساسا به طور کلی به مؤلفین خیلی متفاوت هست با طرق تهذیب و استبصار و اینها. علتش این اختلاف مصدر است. مثلا در کتب فهرست شیخ یکی از منابع کتاب حمید بن زیاد است. یکی از منابعش همین ابن بته است. یکی از منابعش فهرست شیخ صدوق است. اینها همه استدلالاتی دارد برای اینکه چرا منابع اینها این است که من الآن نمی خواهم وارد تفصیل آن بشوم.

سؤال:...

پاسخ: آنجا بحث جابه جایی اسناد و اینها نیست. منابعشان متفاوت است اصلا. منابع فهرست شیخ یک سری منابع، منابع تهذیب یا منابع دیگری است با هم دیگر ارتباط ندارند. تفاوت طرق فهرست شیخ و تهذیب به خاطر اختلاف منابع اخذ روایت یا منابعی که مطالب فهرست را از آنها اخذ کرده است. خب این هم روش دومی که این روایت را می خواستیم تصحیح کنیم همه روایت هایی که نوفلی اولش واقع هستند. یک روش سومی هست که از این روش هم عام تر است. که ما به طور کلی می خواهیم تمام روایت هایی که در آن اخذ به توسط رخ داده است تصحیح کنیم. یک روش عام برای تصحیح همه روایات. البته مگر اینکه می گویم همه روایات مگر یک قرینه خاصی وجود داشته باشد که منافات با این ندارد که گاهی اوقات تک و توک ممکن است بر خلاف این روش قرائنی وجود داشته باشد. ولی یک روش و قاعده ای که با او تمام روایت هایی که در آن اخذ به توسط رخ داده است را ما بخواهیم تصحیح کنیم. خب ما برای اینکار آمدیم دو روش را دنبال کردیم. یکی موارد اخذ به توسطی که در مشیخه به آن اشاره شده بود را دنبال کردیم. در جلسه قبل عرض کردم که همه شان معتبر بودند و به طرق مشهور بودند. یکی هم موارد اخذ به توسط که در کافی اتفاق افتاده است را دنبال کردیم. قبل از اینکه این بحث را تکمیل کنم یک سؤالی ممکن است مطرح شود که چرا شما فقط کتاب الدیات را دنبال کردید. روشی که می خواهید دنبال کنید مربوط به کتاب الدیات نیست. اصلا کل تهذیب موارد اخذ به توسط را می خواهید تصحیح کنید. پاسخ مطلب این است که عین همین روش ها را در سایر ابواب هم می شود دنبال کرد. یعنی مدلش عین همین در جاهای دیگر هم قابل پیاده شدن هست. کتاب الدیات اوج اخذ به توسط است. یعنی هیچ یک از کتاب های تهذیب به اندازه کتاب الدیات که آخرین کتاب تهذیب است در آن اخذ به توسط رخ نداده است. در کتاب الدیات بیش از سیصد مورد از کافی اخذ شده است. مواردش هست آمار نگرفته ام دقیقا که چند مورد است ولی همین جوری تقریبی نگاه کردم بیش از سیصد مورد بود. شاید سیصد و سی چهل مورد می شود. این بیش از سیصد مورد تنها چهار جا اسم محمد بن یعقوب را آورده است. کلا چهار جا. اساسا در جلد دهم به خصوص کتاب الدیات، حالا کتاب الحدود باز ده پانزده موردی اسم محمد بن یعقوب هست. ولی کتاب الدیات که حدود صدو شصت هفتاد صفحه هست حدود سیصد روایت از کافی اخذ شده است بیش از سیصد تا، فقط چهار مورد اسم کلینی امده است. اوج اخذ به توسط در این جلد است. به خصوص اخذ به توسطی که با حذف قسمتی از سند باشد که عمده بحث ما در این مورد است، آنها در این جلد خیلی زیاد است. یعنی این بحث را وقتی روی اینجا پیاده می کنیم در سایر مجلدات هم شبیه این را می شود دنبال کرد راحت تر است و خیلی نتیجه بخش تر است. عین همین کار را در جاهای دیگر هم کنید همین نتیجه را می گیرید.

خب حالا عرض کردم شیخ طوسی روایت هایی که در کافی وجود دارد وقتی می خواهد بیاید در تهذیب نقل کند به چند شکل این روایت ها را نقل می کند. یکی اینکه اسم محمد بن یعقوب را صریحا می آورد سر سند و نقل می کند. عرض کردم چهار مورد است. این چهار مورد همه اش سند های غریب است. سند های معروف نیستند هر چهار موردش. یک موردش یک کمی فی الجمله معروف تر است. حسین بن محمد عن معلی بن محمد عن الوشاع یک موردش است. بقیه مواردش کاملا سند های غیر معروفی است. احمد بن محمد الکوفی دو مورد داریم. علی بن ابراهیم عن مختار بن محمد بن المختار هم یک مورد داریم. ایشان اسم کلینی را فقط در سند های غیر معروف تصریح به ذکر می کند. در بعضی موارد دیگری اسم کلینی را نمی آورد ولی سند عین همان سند کافی است. عین سند کافی هست و اینها هم یک سری موارد هست که نسبتا سند های مشهوری هستند. اینها از بحث ما خارج است. بحث ما عمدتا در جایی هست که طریق آن مؤلف به کسی که اول سند واقع است حذف شده است. این دو شکل است این قسم اخیر. یک شکلش این است که در خود کافی هم طریق محذوف بوده است. یک شکل دیگر این است که در خود کافی طریق محذوف نبوده است و شیخ آن طریق را حذف کرده است. اما اینکه طریق در کافی محذوف بوده است به چه شکل است خب در کافی گاهی اوقات سند ما معلّق است. یعنی چه معلق است؟ یعنی چون در سند قبلی قسمتی از سند ما ذکر شده بود به اعتماد سند قبلی در سند بعدی هم ایشان سند را ذکر نمی کند. مثلا طریق بعدی این شکلی بوده است علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس، در سند بعدی ایشان می گوید یونس. یونس را اول سند قرار می دهد. به اعتبار اینکه در سند قبلی علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی به یونس ذکر شده بوده است. به اعتماد سند قبلی. این یک نوع خاصی از تعلیق است. تعلیق در اصطلاح درایه یعنی حذف اول سند. گاهی اوقات این حذف اول سند به اعتماد سند قبلی است که تعلیقات کافی این شکلی است. گاهی اوقات به اعتماد این هست که آن قسمتی که حذف کرده است در مشیخ کتاب وجود دارد. مثل تهذیب. یا در کتاب مستقلی که خود مؤلف داشته است آنجا ذکر کرده است. مثل فهرست شیخ. این هم یک جور تعلیق است. یک جور سوم تعلیق این است که اول سند را حذف کرده است و جایی هم آن طریق محذوف ذکر نشده است که در کتب درایه گاهی اوقات به این قسم اخیر فقط تعلیق گفته شده است. این است که می گویند تعلیق جزو اقسام روایت های ضعیفه شمرده شده است. این قسم اخیر را گاهی اوقات تعلیق می گویند. ولی ما تعلیق که به کار می بریم به یک معنای عام، یک معنای گسترده تر به کار می بریم. تعلیق حذف اول سند هست. حالا چه آن قسمت محذوفش در سند قبلی باشد چه در مشیخه کتاب باشد چه در کتاب های مستقل مؤلف باشد چه اصلا نباشد. این معنای عام تعلیق مرادمان هست. خب بحث این است که روایت های کافی اگر اول سندش حذف شده باشد یعنی تعلیق رخ داده باشد تعلیق های کافی به اعتماد سند قبل است. این جور مواردی که تعلیق به اعتماد سند قبل رخ داده است خیلی وقت ها در تهذیب هم عین همین به تهذیب منتقل شده است. خب این یک شکل. یک شکل دیگری روایت هایی که از کافی اخذ شده است مواردی هست که در کافی معلق نیست. شیخ طوسی قسمتی از سند را که در کافی بوده است حذف کرده است. مثلا کافی این جوری بوده است، علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس، ایشان در تهذیب به یونس سند را آغاز کرده است. بحث ما در مورد عمدتا این دو قسم است. که ببینیم قسمت محذوف این دو قسم به چه شکل است. این نکته را هم ضمیمه کنم که آن جایی که تعلیق به اعتماد سند قبل است در کافی، گاهی اوقات خود آن سند قبل هم در تهذیب منتقل شده است. سند قبلی که تعلیق به اعتماد او هست آن هم در تهذیب آمده است. یعنی هم سند معلق هم سند معلقٌ علیه را در تهذیب آورده است. این یک شکل است. عمده آن جایی هست که قسمت معلقٌ علیه را در تهذیب نیاورده است. آن جایی که آورده است ممکن است در تهذیب هم به اعتماد سند قبل این سند را نیاورده باشد که دو مورد ما این شکلی داریم در همین جلد دهم.

سؤال:...

پاسخ: نه با فاصله من مرادم با فاصله است.

دو مورد در تهذیب این شکلی هست که به احتمال زیاد ممکن است ما در تهذیب هم به اعتماد سند قبل باشد. یکی در همین جلد دهم که کتاب الدیات مورد بحث ما هست یکی صفحه 166 حدیث 662 که سند با ابن اذینه ضروع می شود. در سند قبل طریق به ابن اذینه ذکر شده است. عین سند کافی است. در کافی هم دو تا سند معلق و معلقٌ علیه است به همان شکلی که در کافی هست در تهذیب هم همان شکل آورده است. این می تواند در تهذیب هم معلق به قبل باشد. یکی هم صفحه 178 حدیث 699 که احمد بن محمد بن ابی نصر اول سند هست. خب اینها را هم از بحث خارج می کنیم اینها مواردی هست که، البته وارد بحث هم کردن خیلی نتیجه بحث ما را تغییر نمی دهد. آنها هم طریق هایش طریق های مشهوری است ولی اینها را هم از بحث خارج می کنیم. مواردی را که در تهذیب آن کسی که اول سند هست از کتاب او برداشته نشده است. از کافی برداشته شده است و معلّقٌ علیه را هم نیاورده است. این موارد را دنبال می کنیم. یا مواردی که اصلا خود شیخه تعلیق را ایجاد کرده است. قسمتی از سند را حذف کرده است. این دو چیز را دنبال کرده اند. خب در آن قسم اول که تعلیق به اعتماد سند کافی هست یعنی تعلیق از کافی به تهذیب سرایت کرده است. حذف سند اول در کافی بوده است و بعد در تهذیب آمده است. اینها یک ده بیست موردی هست تمام موارد اولا آن کسی که اول سند واقع شده است یک مؤلف معروفی است. مثل یونس، حسن بن محبوب، سهل بن زیاد، ابن محبوب. فقط یک مورد یک مؤلف غیر معروف است صالح بن عقبه هست. تنها یک مورد که آن یک مورد را بگذاریم کنار بقیه موارد مؤلفین معروف هستند. پنج شش مورد یونس هست. حسن بن محبوب هفت هشت مورد هست. سهل بن زیاد هم دو مورد هست. و اولا آن کسی که اول سند هست یک مؤلف معروفی است و طریق به اینها هم طریق های معروف هستند. مثلا طریق یونس، علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی هست. حسن بن محبوب دو سه تا طریق دارد که همه طرق معروف به حسن بن محبوب هست. علی بن ابراهیم عن أبیه هست. عده من اصحابنا عن سهل بن زیاد هست. هر دو با هم هست. و این هم این طرق معروف. یا محمد بن یحیی عن احمد بن محمد هست که این هم همه طرق معروف است. و بنابراین ایشان اگر طریقی را که در کافی معلق هست منتقل به تهذیب کرده است در جایی است که آن سند معلقٌ علیه سند معروفی است. و اساسا حالا یک نکته کلی تر عرض کنم، سند های تعلیقی کافی که به اعتماد سند قبل هست، خود این سند ها هم غالبا سند های معروفی حذف شده اند. و آن کسی که اول سند معلق قرار گرفته است صاحب کتاب است. غالب موارد یعنی صدی نود و پنج تعلیقات کافی آن کسی که اول سند واقع شده است صاحب کتاب است. ببینید تعلیقات کافی ولو به اعتماد سند قبل است در مورد کسی ایشان تعلیق می کند که صاحب کتاب است. یعنی حجم عظیمی اینها من آمار های دقیق دارم. این که می گویم اینها را تمامش را، چون ما تمام سند های تعلیقی کافی را تک تکش را کار کرده ایم و امثال اینها، خیلی نادر هست درصد مواردی که شخصی که اول سند تعلیق کافی واقع است صاحب کتاب نباشد. هست ولی چیزی حدود 5 درصد. 95 درصد تعلیقات کافی هم در جایی هست که او صاحب کتاب است. آن شخصی که اول سند تعلیقی قرار گرفته است. پس بنابراین سند های تعلیقی کافی هم تا حدودی شبیه سند های تعلیقی تهذیب است. با این تفاوت که آن قسمت معلقٌ علیه را، قسمت محذوف تعلیقا را، در تهذیب در مشیخه ذکر کرده است یا در فهرست ذکر کرده است ولی در کافی در سند قبل ذکر کرده است. و همین درصد بالایی از این سند های محذوف، همان طرق محذوفه هستند. عرض می کنم شاید بالای 95 درصد تعلیقات کافی را بررسی کنیم این شکلی است بنابراین انتقال آن سند تعلیقی از کافی به تهذیب تنها نتیجه اش این است که یک قسمتی از سند مشهور حذف شده است. یک درصد ناچیزی هست مواردی که سندی که در کافی منتقل به تهذیب شده است آن قسمت حذف شده اش سند غیر مشهور باشد.

سؤال: صاحب کتاب هم معروف است

پاسخ: معمولا صاحب کتاب هم معروف است. شخص معروفی است آن هم همین جور است. آن مطلب در بحث ما چندان مهم نیست.

سؤال: ...

پاسخ: قرائت و سماع بوده است ولی این طرقی که هست طرق قرائت و سماعی نیست. اجازه عام هست نه اینکه کتاب ها را سماع نمی کردند. این طرق نشانگر آن سماع و قرائت هایشان نیست. این دو مطلب را از هم دیگر تفکیک کنیم. نسخی که در اختیارشان بوده است را قرائت می کردند ولی طرقی که در فهرست شیخ در مشیخه تهذیب و استبصار هست، این نسخ کاشف از آن طرق قرائت و سماع نیست. در واقع یک طرق واقعی قرائت و سماع داریم آن طرق احیانا این طرق موجود نیست. این اجمال این بحث.

سؤال:....

پاسخ: نه این جور نیست. طرق تحمل هم داشته اند. علت اصلی اش این است که در نقل از کتب اینها تشریفاتی بوده است این طرق. آن طرق واقعی هم که کتاب ها را با آنها، روش هایی که با آنها صحت انتصاب کتاب ها را اثبات می کردند اینها نبوده است. اینکه حذف می کردند به خاطر در واقع این بحث اخذ به توسط یکی از مهم ترین نشانه های صحت مبنای ما هست که طرق به کتب تشریفاتی هست و ارزش ندارد. یکی از مهم ترین نشانه های صحت مبنای ما همین بحث اخذ به توسط هست. عرض کردم ما یکی مواردی هست که در کافی معلق بوده است که این معلقات به تهذیب منتقل شده است آنها هم همه طرق معروفی است. یکی موارد دیگر که قسمتی از سند را حذف کرده است که آن هم در جلسه قبل آمارش را دادم. آنها هم همه طرق معروفه است. البته آماری که در جلسه قبل دادم یک مقداری بعضی هایش اولا غفلتی کردم و ده صفحه اول کتاب الدیات را اشتباهی ذکر نکرده بودم. یک مقداری آمارش غیر دقیق است ولی خیلی تفاوت ندارد با آن نکته ای که عرض کردم. تنها یک مورد آن هم آدرسش را بدهم: تنها یک مورد صفلحه 211 حدیث 831 است. که این به احتمال زیاد عبارت این هست

وَ كَتَبَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ ع يَسْأَلُ عَنِ الصَّعَالِيكِ فَكَتَبَ إِلَيْهِ اقْتُلْهُمْ‌

این به احتمال زیاد از کافی گرفته شده است آن هم به احتمال زیاد. در کافی جلد 7 صفحه 296 حدیث 3 سندش این شکلی است

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ وَ قَدْ تَجَارَيْنَا ذِكْرَ الصَّعَالِيكِ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَامِرٍ حَدَّثَنِي هَذَا وَ أَوْمَأَ إِلَى أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاق

سندش دو خطی بوده است ایشان دیگر خیلی خسته می شده است این دو خطر را بنویسد آن دو خط را حذف کرده است. تنها این یک مورد است که احتمال اینکه از کافی گرفته باشد با توجه به مجموع قرائنی که هست احتمالش زیاد است. آن خدشه وارد نمی کند یک مورد در، مواردی که طریق غیر م عروفی را ایشان حذف کرده باشد بسیار نادر است. و ما مطمئنیم که این طرقی که حذف کرده است شیخ، طرق مشهوری بوده است. یا طرقی که در آن منابع تعلیقا حذف شده بوده است و به چیز منتقل شده است آنها طرق مشهوری بوده است. این است که این خیلی نتیجه مهمی دارد بسیاری از روایت هایی که چه بسا در کلمات آقایان تصریح نشده باشد با این روش اخیر ما تصحیح می شوند.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و آل محمد